یادداشت

اندر احوال خیال

پژوهشگر
دکتر مهدی یاراحمدی خراسانی

«در خیال» شما چه می‌گذرد؟ در تنهایی خود بیشتر به چه می‌اندیشید؟ در طول زمان یا روزانه بر چه موضوعاتی تمرکز دارید و به آن بیشتر فکر می‌کنید؟ آرزوی به‌دست آوردن چه چیزهایی را در ذهن می‌پرورانید؟ پاسخ این سؤال‌ها یا پرسش‌های مشابه آن، بخش درخورتوجهی از چگونگی رفتار و شخصیت شما را شکل می‌دهد و جایگاه واقعی‌تان را در زندگی رقم می‌زند.

اگر مراتب اندیشیدن شما در مسیر فلاح و صلاح باشد، به‌دنبال آن گفتار و رفتار نیز در همین مسیر شکل می‌گیرد و جریان می‌یابد و اگر عکس این اتفاق رخ دهد و انسان به گناه یا رفتاری ناشایست بیندیشد، ممکن است تصمیم‌هایی بگیرد یا اقدام‌هایی انجام دهد که با سرشت ذاتی و طبیعت پاک آدمی، منافات دارد.

چنان‌که حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «اندیشه کردن در خوبی‌ها، انگیزه به‌کار بستن آن‌ها می‌شود». انجام دادن هر عملی دستورات، آداب و مقدماتی دارد که سرچشمه تمام آن‌ها، روح انسان است که از «تصور، تفکر، شناخت و تصدیق» آغاز می‌شود، با ظهور و بروز «انگیزه» ادامه پیدا می‌کند و به «قصد، عزم و اراده» منتهی شود. سپس به وسیله جسم به مرحله «عمل و اجرا» درمی‌آید. تحقق هر مرحله نور یا تاریکی، با ماهیت اقدام مدنظر و پیشرفت به‌سوی انجام آن تناسب دارد؛ به همین دلیل در آموزه‌های دینی، به فرزندان آدم برای حفظ چارچوب‌های اخلاقی و انسانی در جریان تصورات و تفکرات روزانه، توصیه‌های فراوان شده است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در همین زمینه می‌فرمایند: «مَن کَثُرَ فِکرُهُ فِی المَعاصِی دَعَتهُ إلَیها؛ آن‌که در گناهان، بسیار اندیشه کند، [این کار] او را به گناه می‌کشاند». در حدیث دیگری نقل شده است: «فکر کردن به گناه، نیمی از مسیر گناه است». انسان موجودی دوبعدی است؛ نیمی از وجودش، جسم او و مادی است و نیمه دیگرش، روح و غیرمادی است. هریک از آن‌ها، حرکت و فعل‌وانفعالاتی دارند و برای بقا و حیات خویش، نیازمند غذا هستند.

حیات روح به زدودن غبار و زنگارهایی است که از گناه و معصیت بر آیینه وجود انسان می‌نشیند و تکامل او در تزکیه و گرایش به معنویت و ارتباط با خداست. اوج کمال روح آدمی در وصال به ربوبیت و ربّی و ربانی شدن آن است؛ چنان‌که آلوده شدن روح به گناه و معصیت، آن را به‌سوی فنا و نیستی سوق می‌دهد. یکی از مراتب مهم دستیابی به کمال، تلاش در جهت ایجاد «ذهن و ضمیر» و به‌دنبال آن «اندیشه سالم» است. اهمیت تفکر و تعقل در زندگی آدمی تا بدان‌جاست که از آن به‌عنوان وجه تمایز اصلی انسان و سایر موجودات زنده نام می‌برند. به بیان دیگر، آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند، توانایی عظیم قدرت تفکر و تعقل اوست.

حال اگر این توانایی در مسیر سالم و مفید باشد، سبب شکوفایی انسان و آبادانی جامعه خواهد شد و در غیر این‌صورت، صاحبان تفکر بیمار، خود و جامعه را به انحراف و تباهی می‌کشانند. تفکر انسان از لحاظ منطقی دو عنصر مهم دارد. عنصر اول «موارد تفکر» است که شامل دانسته‌هایی است که انسان از قبل آموخته است و می‌خواهد با کمک آن‌ها به مطالب جدیدی دست یابد و عنصر دوم، «چگونگی یا شکل تفکر» است که بیانگر چینش و نظمی است که متفکر به دانسته‌های قبلی خود می‌دهد تا به‌طور صحیح به نتیجه‌ای که درنظر دارد، برسد. برای دستیابی به این فکر و خیال سالم، باید ابتدا عناصر تفکر را بشناسیم و بر ورودی آنچه از طریق حواس وارد ذهن ما می‌شوند و موارد تفکر ما را شکل می‌دهند، کنترل لازم داشته باشیم. این امکان وجود دارد که ورودی فکر به وسیله چشم، گوش و سایر جوارح بدن از صبح تا شب، آلوده به گناه و نامطلوب باشد و در طول روز نیز کمابیش به آن‌ها فکر کنیم و نهایتا رفتاری معقول، اخلاقی و شرعی بروز دهیم.

اگر آدمی اراده بر رفتار سالم دارد، شرط تحقق آن، مراقبت از ورودی‌های ذهن و همچنین تلاش و تمرین در مسیر دستیابی به تفکر و تعقل سالم است. انسان باید در خیال خود به نیکی‌ها و پاکی‌ها بیندیشد تا بتواند در گفتار و رفتار خویش به شایستگی و پاکیزگی و کمال روح دست یابد.

بردار و بخوان

دل به دل، راه داره

بیان مهارت‌های مدیریت ازدواج از نگاه استاد قرائتی

ازدواج یکی از نقاط عطف مهم زندگی هر فردی است که می‌خواهد خانواده تشکیل بدهد و به قول معروف سروسامانی بگیرد. چه‌بسا دستاوردهایی که با یک انتخاب اشتباه و ازدواج ناموفق بر باد می‌روند و چه بسیار انسان‌هایی که با انتخاب درست و ازدواجی آگاهانه به دستاوردهای شگرف مادی و معنوی رسیده‌اند. در امر ازدواج نه‌تنها اصول انتخاب و راه‌های تشخیص درست آن مهم است که راه‌های نگاه داشتن ازدواج و گرم نگاه داشتن کانون خانه و خانواده نیز اهمیت دارد. در متون دینی ما، هم برای انتخاب زوج و هم برای رفتار مناسب با اهل خانه، توصیه‌های زیادی وجود دارد.

سیدعلی کابلی باتوجه به آنچه در صحبت‌های حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن قرائتی آمده است، دست به جمع‌آوری نظرها و توصیه‌های کاربردی برای ازدواج و راه‌های حفظ آن زده است. «دل به دل راه داره» نام این کتاب ارزشمند است که برای ارائه مهارت‌های مدیریت ازدواج به زبان ساده تلاش می‌کند. بیان جسورانه مشکلات و فرهنگ‌های غلط ازدواج و پیشنهاد راهکارهای کاربردی و اصلاحی به‌همراه تمثیل‌های شیرین استاد محسن قرائتی، کتابی بسیار خواندنی و قابل‌استفاده پدید آورده است.

- در این اثر در فصل یک به اهمیت ازدواج و دلایل این امر پرداخته شده است.

فصل ۲ درباره بلوغ‌های لازم برای ازدواج است؛ بلوغ‌های عقلی، جنسی، عاطفی و اقتصادی.

فصل ۳ فواید ازدواج را برشمرده است. بخشی از این فواید، مادی و بخش دیگر، معنوی هستند.

فصل ۴ موانع ازدواج را تشریح کرده و از ترس از ازدواج، آغاز کرده و به سخت‌گیری‌های والدین رسیده است.

فصل ۵ ملاک‌های انتخاب همسر را شامل می‌شود.

فصل ۶ وظایف دیگران در ازدواج و فصل ۷ مقدمات ازدواج را شرح داده است.

آخرین فصل کتاب نیز «دوران عقد» نام دارد. مؤلف در این بخش، از موضوع شناخت بهتر و فراهم کردن مقدمات زندگی و... سخن به میان آورده است.

مدیریت فرایند ازدواج نیز مانند بسیاری از امور مهم زندگی انسان، شامل مجموعه رفتارها و کارهایی است که می‌توان آن‌ها را «مهارت» نامید. مهارت‌ها قابلیت به‌دست آوردن و پرورده شدن دارند، ازاین‌رو می‌توان با آگاهی و تمرین، مهارت‌های گوناگونی را کسب کرد. این اثر را که درواقع بیان مهارت‌های مدیریت ازدواج از منظر استاد قرائتی است، انتشارات مهرستان در ۱۴۴ صفحه چاپ و منتشر کرده است.

/ همه آنچه از انقلاب فرهنگی امام ششم شیعیان باید بدانیم /

امام به‌حق ناطق؛ حضرت صادق(ع)

آمنه مستقیمی| مرور زندگی بابرکت هریک از امامان معصوم(ع)، نشان می‌دهد هریک از آن حضرات به تناسب زمان زندگانی بابرکت خود و نیز با نگاه به شرایط و اقتضائات جامعه، راهی را برای هدایت و امامت انتخاب کرده‌اند و اگرچه آن‌ها همگی نوری واحد هستند و از سرچشمه وحی، جامعه را سیراب می‌کنند، این فهم و درک جامعه و شرایط است که باعث شده است هریک روش خاص خود را در این هدایتگری درپیش گیرند؛ مثل امام‌صادق(ع) که نهضت فکری به راه انداختند و هنوز که هنوز است، نه‌فقط شیعه بلکه جهانیان را وامدار این نهضت کرده‌اند. به‌مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت آن حضرت و در بررسی ویژگی‌های نهضت علمی ایشان، با حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی نظری منفرد، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و کارشناس معارفی رسانه ملی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

چرا در میان روش‌های مختلفی که برای هدایت جامعه وجود داشت، امام‌صادق(ع) نهضت فکری و فرهنگی را انتخاب کردند و در بستر فکر و فرهنگ، مسیر امامت را پیش بردند؟

امام‌صادق(ع) سال ۸۳ هجری متولد شدند و سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیدند و در این مدت، دوران خلفای متعددی از بنی‌امیه و نیز بنی‌عباس را تجربه کردند؛ چنان‌که شانزده سال از دوران امامت آن حضرت، معاصر با حکومت عباسیان بود. این انتقال مُلک و رفت‌وآمد خلفا یکی پس از دیگری و تلاش یک حکومت برای حیات و بقا و تلاش حکومت دیگر برای روی کار آمدن و تثبیت قدرت، فرصتی را فراهم کرد که امام‌صادق(ع) به کار دینی، فرهنگی و تبیین دین اقدام کنند.

امام‌صادق(ع) در این نهضت به‌گونه‌ای عمل کردند که در آن شرایط و وضعیت اجتماعی فرهنگی خاص که اقبال به علم‌آموزی و کسب سواد صرفا درمیان طایفه‌ای خاص از جامعه مطرح بود و همه اهل علم‌آموزی نبودند و در آن وضعیت ویژه که راه‌ها دور بود و امکانات مثل امروز فراهم نبود، نوع افرادی که از محضر امام‌صادق(ع) بهره بردند، مردم کوفه بودند، درحالی‌که فاصله بسیاری بین کوفه تا مدینه وجود داشت.

خروجی این نهضت فکری و فرهنگی چه بود و چه تأثیری بر جامعه شیعی دینی گذاشته است؟

عالمان تاریخ و سیره‌نویسان، نوشته‌اند امام‌صادق(ع) ۴ هزار شاگرد تربیت کردند که همگی راوی حدیث از آن حضرت بودند. این رقم باتوجه به آن عصر و شرایط بسیار درخور توجه است؛ به‌ویژه آنکه درمیان شاگردان امام، چهره‌های ممتاز و فرهیخته‌ای مثل ابان بن تغلب، ابوبصیر، محمدبن مسلم، زراره، جابربن یزید جُعفی و دیگران بودند که از محضر امام بهره‌ها بردند.

این تربیت شاگرد و نهضت علمی، نشان می‌دهد در فضای تغییر حکومت، فرصتی پیش آمده و امام‌صادق(ع) توانسته‌اند علومی را که پیش از آن به‌دلیل فضای به‌شدت امنیتی و پلیسی مروانیان به‌خصوص در عصر هشام بن عبدالملک امکان طرح آن‌ها نبود، عرضه کنند و این چنین کار فرهنگی را آغاز کردند و این کار فرهنگی به قدری توسعه یافت که امروز کتابی از منابع روایی معتبر یافت نمی‌شود مگر آنکه به‌کرات در آن از روایات حضرت استفاده شده است. این موضوع نشان می‌دهد امام‌صادق(ع) زمان‌شناس بودند و دریافتند که برای نشر حقایق، تبیین و روشنگری و تشخیص سره از ناسره، راهی جز راه‌اندازی نهضت فرهنگی فکری وجود ندارد، لذا معارف اخلاق و احکام را نشر دادند و جذبه‌ای که در امام وجود داشت، باعث شد آن‌ها که خواهان علم بودند، مجذوب و مرید ایشان شوند؛ چنان‌که جوانانی نابغه مثل هشام‌بن‌حکم از شاگردان ممتاز حضرت به‌شمار می‌رود.

چه چیز در نهضت فکری فرهنگی امام‌صادق(ع) وجود داشت که این چنین اثرگذار شد و شاگردان بسیار را به خود جلب کرد؟

در آن زمان، دو مکتب وجود داشت؛ یکی جبر و دیگری تفویض، اما تشیع مکتبی بود که از یک‌سو به رسول خدا(ص) و وحی اتصال داشت و امام‌صادق(ع) در نقل سلسله‌سند احادیث، به جدشان امیرالمؤمنین(ع) و رسول خدا(ص) می‌رسیدند و از دیگرسو ائمه(ع) چون وارسته و اهل عمل بودند و خدا در آن‌ها فضیلت قرار داده بود، قلوب مردم را جذب می‌کردند و همین باعث شد حضرت صادق(ع) هم از شرایط بهره بگیرند و بسیاری از چهره‌های برجسته جهان اسلام را تربیت کنند؛ چهره‌هایی مثل محمدبن مسلم‌ها و زراره‌ها که هریک پهلوان میدان علم و دانش بودند و برخی ۳۰ هزار و برخی مثل یزیدبن جعفر جُعفی، ۷۰ هزار حدیث نقل کرده‌اند.

تمرکز این نهضت فکری فرهنگی بر چه بود و امام‌صادق(ع) بیشتر بر نشر چه علوم و معارفی در جامعه تأکید می‌کردند؟

این نهضت در همه عرصه‌ها میدان‌داری کرده است. اساسا دین از سه اصل اساسی اعتقادات، اخلاق و احکام (عرصه عمل و شامل بایدها و نبایدها) تشکیل می‌شود. امام‌صادق(ع) در هر سه این عرصه‌ها شاگردانی داشتند؛ برای مثال هشام‌بن‌حکم در مسائل اعتقادی فوق‌العاده بود و وقتی به بحث با افراد می‌نشست، همه را مجاب می‌کرد؛ چنان‌که نقل است پس از شهادت امام‌صادق(ع)، در جلسه‌ای هارون پشت‌پرده قرار داشت و مباحث هشام را از پشت پرده می‌شنید و چون تبحر علمی او را دید، گفت: «زبان این شخص برای من از ۱۰۰ هزار مجاهد شمشیرزن، سخت‌تر است». هشام در حوزه مسائل اعتقادی و معارف و کلام، بی‌نظیر بود و امام‌صادق(ع) او را تحسین کرده‌اند. همچنین است دیگر شاگردان امام که هریک سرآمد علوم زمان خود بودند.

آیا تأثیرگذاری امام‌صادق(ع) صرفا در میان شیعیان بود یا ایشان در میان اهل سنت نیز شأن و نفوذ علمی داشتند؟

یکی از افرادی که با امام‌صادق(ع) معاصر بود، مالک‌بن‌انس نام داشت. او امام مالکی‌هاست که امروز بیشترشان در شمال آفریقا سکونت دارند. وی در مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن است. مالک درباره امام‌صادق(ع) می‌گوید: «من فردی را همچون جعفربن‌محمد(ع) ندیدم؛ گاهی که به محضر ایشان می‌رفتم، یا ذاکر بود یا صائم (روزه‌دار) یا در قیام. ایشان از بزرگان زهد و علمای بلاد بود». این تعبیر امام یکی از مذاهب اربعه اهل سنت درباره حضرت صادق(ع)، نشان از تأثیر آن حضرت بر دیگر مکاتب و مذاهب دارد. علاوه‌بر این، ابوحنیفه، پیشوای حنفی‌مذهب‌ها، نیز که از نظر زمانی با امام‌صادق(ع) معاصر بود، می‌گوید: «من فقیه‌تر و داناتر از جعفربن‌محمد(ص) ندیده‌ام؛ او داناترین فرد این امت است».

آموزه‌های امام‌صادق(ع) و آنچه از ایشان به‌عنوان میراث روایی به دست ما رسیده است، چقدر در سبک زندگی امروز و گره‌گشایی از مشکلاتی که با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، مؤثر و راهگشاست؟

احادیث حضرت در حوزه‌های احکام، اخلاق و فقه، هریک گنجینه‌ای گران‌بهاست که تأمل در آن‌ها به ما در اصلاح سبک زندگی و حل مشکلات کمک می‌کند. باید توجه کرد انسان در زندگی با شرایط و موقعیت‌های متفاوتی مواجه است؛ زمانی از مال و سلامت و عزت و امنیت برخوردار است و ممکن است در زمانی دیگر، گرفتار مشکلات مالی و بیماری و امثال آن شود یا گاه از نظر روحی به مشکل بخورد. امام‌صادق(ع) خطاب به سفیان‌الثوری برای هریک از حالات نعمت، فقر و ناراحتی روحی و اضطراب و حزن و اندوه، راهکارهایی داده‌اند که برای امروز ما هم گره‌گشاست. ایشان می‌فرمایند: «برای پایداری نعمت سلامتی، روزی وسیع و امنیت اعطایی ذات اقدس الهی، باید خداوند متعال را شکر کرد. انسان زمانی که در نعمت است، بیشتر باید به یاد خداوند متعال باشد. خدا خود در قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ؛ اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود»؛ این یعنی راه افزایش نعمت‌ها، شکرگزاری برای آن‌هاست به زبان و عمل.

یکی از بهترین راه‌های شکر نعمت، استفاده نکردن از آن در مسیر عصیان و گناه است. امام‌صادق(ع) در حدیثی دیگر، راه عاقبت‌به‌خیری را به ما نشان می‌دهند و می‌فرمایند: «حق خداوند را عظیم بشمار و نعمت‌هایش را در معصیت صرف نکن؛ نباید این نعمت‌هایی را که خداوند عطا کرده است، در راه گناه و معصیت صرف کرد».

امروز که جامعه با مشکلات بی‌شمار اقتصادی مواجه است، چه راهکاری را می‌توان از آموزه‌های امام‌صادق(ع) برای کاهش و رفع این مشکلات یافت؟

امام‌صادق(ع) برای مقابله با تنگدستی، مشکلات مالی و دوری از فشار و سختی‌های فقر، بر استغفار تأکید کرده‌اند؛ استغفار، گشایش‌هایی را در زندگی ایجاد می‌کند. با استغفار، درهای رحمت الهی به روی انسان باز می‌شود و مال و زندگی انسان برکت می‌گیرد. قرآن کریم هم تصریح کرده است که توبه و استغفار، فرصت بهره‌مندی از برکات مالی را در زندگی به انسان می‌دهد؛ چون با پاک شدن انسان از گناه، مسیر رسیدن به نعمت‌ها و برکات الهی هموار می‌شود.

امام‌صادق(ع) برای درمان تألمات روحی و غم‌هایی که بر دل آدمی چنگ می‌زند، هم نسخه دارند و به مداومت بر ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ» توصیه کرده‌اند تا ناراحتی‌های روحی انسان برطرف شود. این ذکر، اعتراف به توحید افعالی است و با بیان آن، خدای متعال به بنده لطف کرده، ناراحتی‌ها، اندوه‌ها و اضطراب‌های درونی و استرس‌های زندگی را به آرامش تبدیل می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نظری منفرد:

امام صادق(ع) برای مقابله با تنگدستی، مشکلات مالی و دوری از فشار و سختی‌های فقر بر استغفار تأکید کرده اند؛ استغفار گشایش‌هایی را در زندگی ایجاد می‌کند؛ با استغفار درهای رحمت الهی به روی انسان باز می‌شود و مال و زندگی انسان برکت می‌گیرد